

اصلاح طبقه وکلاء

وکیل دکتر رضا مقصودی

به گفته مرحوم احمد متین دفتری: «اصلاح طبقه وکلاء مهمترین اصلاح عدلیه است. زیرا اگر عدلیه از مبرزترین قضات تشکیل شود ولی از حیث وکیل ناقص باشد، احقاق حق بسیار دشوار خواهد بود. خواه این نقص بواسطه جهات اخلاقی باشد یا بواسطه فقد معلومات لازم برای شغل وکالت»

الف) - جهات اخلاقی

آنچه تحت این عنوان یا عناوینی شبیه به آن چون: کد اخلاقی وکلاء، اخلاق حرفه ای وکالت، مسئولیت حرفه ای وکیل، منشور اخلاق حرفه ای وکیل دادگستری، مطرح شده و میشود، تاکنون موضوع تألیف کتب، مقالات، خطابه ها و گفتارهای متعددی قرار گرفته است.

وجه مشترک همه این تلاشها، پی ریزی و ایجاد استانداردهائی اخلاقی جهت اشتغال به شغل منیع وکالت بوده است. این اوصاف و ویژگیها که با لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و آئین نامه آن ناظر بر رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا تضمین شده است، بدان جهت واجد اهمیت و ضرورتند که اعتماد جامعه را به نهاد وکالت تثبیت و احیا کرده، وکالت را از هدام و هلاک و فساد و تباهی مصون و شأن این حرفه خطیر را در طول رسالت پر فراز و نشیب خویش حفظ و صیانت کرده است. دانستن این قواعد و رسوم (اخلاق نظری) و عمل، تقید و بکار بستن آن (اخلاق عملی)، وکیل را در جایگاه حقیقی خویش نشانده و اعتبار و حیثیت و شئون حرفه ای این شغل را حفظ خواهد کرد.

از نظر پرورش فضائل و خصائص اخلاقی قابل انکار نیست که قطع نظر از نگاه و نگرش و تقابل دیگر دستگاهها با نهاد وکالت و شخص وکیل، در درون خود دچار ضعف و فترت هستیم. فرهنگ احترام، تعامل، حفظ حرمت، شأن و جایگاه یکدیگر را در دادرسی نیاموخته یا بدان پایبند نیستیم! آیا این آموزش را دیده ایم که دفاع مناسب و قوی و عمل به تکلیف وکالتی منافاتی با احترام، سعه صدر، تحمل و صبوری و حفظ شئون انسانی و کرامات و ملکات و فضائل اخلاقی ندارد؟ بلکه این صفات، تکمیل کننده و حلقه اتصال عظمت و تکامل در ایفای این نقش است؟

آیا بدون رعایت اصول اخلاقی از جانب خود، توقع رعایت حرمت و شأن از دیگران داشتن، انتظار بجا و درستی است؟ آیا شما احساس نمی کنید که روح یگانگی، یکدلی، وحدت سرنوشت و صمیمیت در بین طبقه وکلا معدوم یا کمرنگ است؟ آیا براستی سرنوشت و مقصد خود را با جامعه وکالت یکی می دانیم؟

ب) - معلومات لازم

از مرحوم دکتر سید حسن امامی نقل شده که اگر استاد دانشکده حقوق نیز پرونده ای در دادگستری داشت باید به وکیل مراجعه کند.

دخالت در پرونده و شناخت مبنا و سبب دعوی و طرق و فنون دفاع در حیطة تخصص وکیل است. وکیل با مورد و مصداق سر و کار دارد و استاد دانشکده حقوق با مفهوم! وکیل به مثابه مجتهدی است که می بایست با مایه های استنباط احکام، موارد عملی، کاربردی و جزئی را از مفاهیم و اصول کلی استفهام و استخراج نماید. لذا این وکیل است که می بایست رویه قضائی ایجاد کند. با استنباط بدیع از امور مستحدثه و استدلال متقن و جامع، دادخواست های تازه و مورد احتیاج و مبتلابه اجتماع را تنظیم و طرحی نو دراندازد. خود را از پوسته خشک و جامد و کهنه رویه هائی که سالهاست تکرار شده و پاسخگوی ضرورت ها و مقتضیات زمان و مکان نیست، رها سازد و دادرسان را در صدور و انشاء آراء بدیع، کارآمد و محکم و متفاوت یاری دهد. آنچه ابزار کار و خمیرمایه دفاع مطلوب و مناسب برای وکیل است نه مباحث تئوریک و صرفاً نظری دانشکده های حقوق، که موازین قضائی، آرای متقن و مقرون به استدلال، استنباط و استنادات بی بدیل و جامع در مراجع مختلف قضائی بخصوص جزئیات مباحث و مذاکرات شعب دیوانعالی کشور در بررسی پرونده ها، نظرات اداره حقوقی، نشست های قضائی و مطالعه آرای صادره از شعب دادگاههاست.

تنبیهات:

- ۱- متولیان اداره کانون در قبال رشد و تعالی جهات علمی و اخلاقی وکلاء مسئولند.
- ۲- بدون دو مهارت معلومات لازم و جهات اخلاقی نقش آفرینی بر تار و پود این اثر هنری ناممکن است.
- ۳- برای اصلاح اجتماع از خودمان شروع کنیم. شاید علاج درد همان نسخه عالمانه شاه مردان حضرت علی "علیه السلام" باشد که به نقل از ایشان در مقدمه اسفار ملاصدرا آمده است: "رَحِمَ اللهُ أُمَّرَةً عَرَفَتْ مِنْ أَيْنٍ وَ فِي أَيْنٍ وَ إِلَى أَيْنٍ". اینکه عیب را تنها متوجه دیگران ندانیم و کوتاهی های خود را هم ببینیم. خود سازی، دغدغه مشترک همه ی اخلاقیون و در این وانفسای ظلم به وکالت، تنها وسیله چاره ساز است. زیرا در عین پسندیدگی، نفس حرف ها، شاذ و به منزله سخن نخست است.

گفتن از زشت روئی دگران

نشود باعث نکورروئی

در خود، آن به که نیک تر نگری

اول، آن به که عیب خود گوئی

(پروین اعتصامی)